

رودهن در گذر زمان

بازفودی روایتی - دانشنامه‌ای

(جلد اول)

دکتر خلیل میرزایی

هیأت علمی دانشگاه

فهرست مطالب

۲۹	مقدمه
۳۷	سپاسگزاری
۴۱	نام‌شناسی، تاریخچه و روند گسترش رودهن
۴۳	نام‌شناسی رودهن
۴۸	پیشینه‌ی تاریخی رودهن
۶۴	وضعیت مالکیت در رودهن - یک گذر تاریخی
۶۸	مرحله‌ها و چگونگی گسترش بافت کالبدی رودهن
۷۲	بناهای تاریخی رودهن وارزش بومی آنها
۷۲	پل زنجیر یا پل نمیرمیران
۷۴	پل رضا شاهی
۷۶	امامزاده محمد تقی
۷۸	مدرسه‌ی ۱۵ بهمن یا پروین اعتصامی رودهن
۷۹	حمام شاهرخ‌باغی
۸۰	محلله‌های قدیمی رودهن
۸۰	آرالوق
۸۱	آشاقه محله
۸۲	گاراژ
۸۲	یوخاره محله
۸۲	کالاش محله
۸۲	قیه محله
۸۳	خان زاغاسه
۸۳	لله یورده
۸۳	خداقلی کوچه سه

عاشوق محله	۸۴
داله یر	۸۴
سوله دره	۸۴
تجرک	۸۵
لاله زار گله	۸۸
آبک دره	۸۸
کوراقیلر یا قاطارقیلر	۸۸
آه	۸۸
سوغاناق داغه	۸۹
گچیک	۸۹
آلم قوله دیمه سه	۸۹
اوتای	۸۹
گلمه دره	۹۰
قره داش	۹۰
کلکلر یا ارنده یورده	۹۰
جمعه دره	۹۰
دونقوزدره سه	۹۰
سید مُلک	۹۱
نمیرمیران	۹۲
کافر اچال	۹۲
زرخرید	۹۳
سیمای اقلیمی، جغرافیایی و طبیعی رودهن	۹۵
موقعیت جغرافیایی و تقسیمات کشوری	۹۷
محدوده‌ی طبیعی رودهن	۹۷
محدوده‌ی حریم شهر رودهن	۹۸
توپوگرافی یا ریخت‌شناسی رودهن	۹۹

ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی شهر	۱۰۰
زمین شناسی	۱۰۳
آتشفشان‌ها	۱۰۴
زلزله	۱۰۵
زلزله - مشخصه‌های تکتونیکی و بررسی پدیده‌ی گسل خوردگی رودهن و مناطق اطراف آن	۱۰۵
گسل مشا - فشم	۱۰۶
گسل راندگی شمال تهران	۱۰۷
گسل تلو	۱۰۸
بهمن	۱۰۸
سیل در رودهن	۱۰۹
خاک	۱۱۲
آب و هوای رودهن	۱۱۲
بارش	۱۱۵
دما	۱۵۵
روزهای یخبندان	۱۹۲
نم نسبی	۱۹۲
باد	۲۲۸
منابع آب	۲۶۳
مهرآبادارخه	۲۶۴
کندارخه	۲۶۵
دارارخه	۲۶۶
سیدارخه	۲۶۶
داغ داغان ارخه	۲۶۶
سیاه بندارخه	۲۶۷
نمیرارخه	۲۶۷
گل خندان ارخه	۲۶۸
موسابولاچه یا آقامعلی بولاچه	۲۶۸

۴۰۲	خارپشت ایرانی
۴۰۳	خفاش
۴۰۴	سنجابک یا اشگول
۴۰۴	موش خانگی یا سیچان
۴۰۵	وئل آبری (سوسیچانه)
۴۰۵	تشی
۴۰۶	خرگوش یا دوشان
۴۰۷	گرگ خاکستری یا قورد
۴۰۷	شغال یا چاقال
۴۰۸	روباه یا تولکه
۴۰۹	خرس قهوه‌ای یا آبی
۴۱۰	کفتار یا کافتار
۴۱۰	گورکن یا زودک
۴۱۱	پلنگ
۴۱۲	گراز یا دون قوز
۴۱۲	بزکوهی یا پازن
۴۱۳	مار یا ایلان
۴۱۵	گرزه مار
۴۱۶	افعی قفقازی
۴۱۶	مار درختی
۴۱۷	لاک‌پشت مهمیزدار یا توسباقا
۴۱۷	مارمولک مارچشم یا اوقلان یولداشه
۴۱۸	کگوی سنگی تیغه (یا ایلان‌زهروران)
۴۱۸	قورباغه (مردابی)
۴۱۹	وزغ رنگارنگ (سبز)
۴۲۰	اردک سرسبز
۴۲۰	اردک خوتکا

۴۲۱	کبک دری یا داغ تویوقه
۴۲۲	کبک چیل
۴۲۲	فوج
۴۲۳	بلدرچین یا بلبله
۴۲۳	فزاری
۴۲۴	طوطی (ملنگو)
۴۲۴	سور
۴۲۵	بابل
۴۲۶	مرغ مینا
۴۲۶	چنگاوک
۴۲۷	هزارپا
۴۲۷	عقرب یا کزدم یا چایان
۴۲۸	رئیل یا لوتینه
۴۲۸	نمرچنگ یا کرجینگ
۴۲۹	کفشدوزک یا پایش‌تیکان
۴۲۹	سوسک سیاه یا قره‌بوجیک
۴۳۰	گوش‌خیزک یا قولاق‌گیران
۴۳۰	ماهی قرل‌آلا
۴۳۱	یا کریم
۴۳۲	کبوتر یا کفتر
۴۳۲	غار اهلی
۴۳۳	اردک
۴۳۳	مرغ یا تویوق
۴۳۴	سورس یا خوروز
۴۳۴	گوسفند
۴۳۵	بز
۴۳۶	اسب یا آت

۶۳۴	رودهن در جنگ
۶۳۸	غذا و نان
۶۳۸	نان‌ها و ابزارکار
۶۳۸	ابزارکار
۶۳۸	ارسین (کوچک)
۶۳۸	بُیگ ارسین (بزرگ)
۶۳۸	کش کارد
۶۳۹	مقاش
۶۳۹	گُستو
۶۳۹	کُلب
۶۳۹	لواش یا پان
۶۳۹	طَبق چوبی
۶۳۹	قولتاق
۶۴۰	ساج
۶۴۰	ساج چورک
۶۴۲	انواع نان
۶۴۲	شیرمال
۶۴۳	چُرک یا نان محلی
۶۴۳	سوت چورک
۶۴۴	جزلیخ تافتانه
۶۴۴	سیب زمینی تافتانه
۶۴۴	شاتا
۶۴۵	دومبج
۶۴۵	یاقلِ نازیک
۶۴۵	اِردک
۶۴۵	قولتاق یا شیرمال گردویی
۶۴۶	انواع غذاهای بومی رودهن

۶۴۶	ساره دمنه یا دمی باقالی زرد
۶۴۶	قره گزدمنه سه، دمی لویا چشم بلبلی
۶۴۸	قیمه خورشت یا خورش قیمه سیب زمینی
۶۴۸	اسفناج دمنه دم اسفناج
۶۴۹	فسنجان
۶۵۰	آبگوشت
۶۵۱	بادمجان خورشت یا خورش بادمجان
۶۵۲	لویا دمنه یا دمی لویا پلو یا دمی استانبولی
۶۵۳	خورش آلو اسفناج
۶۵۴	کلم دمنسه یا دمی کلم
۶۵۵	دمی برگ مو
۶۵۵	قویماق یا کاجی حورا
۶۵۶	شوت آشه یا شیربرنج
۶۵۷	یمیلیک یا دمی سبزی صحرايي
۶۵۷	کاجی رودهني
۶۵۸	قرمه
۶۵۹	کوفته
۶۶۰	کوفته‌ی آش
۶۶۱	ایران آش یا آش دوغ
۶۶۲	سوقانسه (اشکنه)
۶۶۳	ارشیته پلو یا رشته پلو
۶۶۴	اوزخورشته (آلچا برگ خورشته)
۶۶۵	سوقاناق دمنه
۶۶۶	یتیمچه
۶۶۶	خوراک بادمجان
۶۶۶	دوقراماج یا آب دوغ خیار
۶۶۸	شامی

مقدمه

به نام پروردگار یگانه

وقتی رود به خروش و لرزش می آید، زمین به لرزه درمی آید تا "رودهن" شکل بگیرد و پذیرای مردمانی باشد که در سده‌ی یازدهم از ظلم و جور قدرت و ثروت اندوزان تن به کوچ دادند تا زیست جهان خود را در منطقه‌ای جستجو کنند که فضای زیست آن با سادگی دل و گرد بچگیشان همخوان باشد و چه عالمانه در استقرار خود چهار اصل اساسی را مد نظر قرار می‌دهند تا معلوم کنند که زندگی در سده‌هایش را به‌خوبی به آنها آموزش داده است: (۱) امنیتی که اگر از آن برخوردار بودند شاید همچنان در غرب آذربایجان و کردستان و احتمالاً سایر مناطق ماندگار بودند و سرنوشتی دیگر را جستجو می‌کردند؛ پس در استقرار خود دامنه‌های ممه داغه را امن یافتند و پشت به ممه داغه سپردند و رو به رود و زمین تا از موهبت‌های آنها در کارو فراغت بهره‌مند شوند، (۲) آبی که مایه‌ی حیات است و زندگی بخش نبات و یکی از مهمترین عامل‌های استقرار جمعیت. آنها هر جا که چشم می‌چرخاندند آب می‌دیدند و آب و وجود رودخانه‌های فصلی و دائمی و ده‌ها چشمه‌ای که از زمین می‌جوشیدند و رود لرزان را می‌ساختند به تنهایی می‌توانستند برای جذب هر زندگی جویی کفایت کند، (۳) فضای معاشی که با روحیه و شرایط زمان بخواند و در هر موقعیتی قوت آنان را تامین کند و در آن زمان کشاورزی، دامپروری و شکار شغل‌های غالب و دلخواهی بودند که مهاجران نخستین به دنبال آن بودند و رودهن به خوبی توانست آنها را تامین کند. زمین‌های حاصل خیز نمیر، کافراچال، زرخید، سیدملکی، داره ارخه، داله یر، تجرک و غیره وجود کوه‌ها و دشت‌های سرسبز برای دام پروری و جذابیت رودهن بخاطر وجود گونه‌های گوناگون گیاهی و حیوانی کافی بود تا این مردان تلاشگر از معاش خود اطمینان یابند، (۴) آب و هوایی که تا حد زیادی با عادت آنها در مبداء کوچ و مهاجرت همخوانی داشته باشد فرح ذات آنها گردد. هنوز هم به رغم وجود آلوده‌سازهای گوناگون عصر نوینگری، رودهن به واسطه وجود منذهای گوناگون توانسته است تا حد زیادی خود را از آلودگی‌های آب و هوایی مصون نگه دارد و از این رو می‌توان گفت که در آن زمان از محبوبیت خاصی برخوردار بوده است.

به هر حال، رودهن شکل گرفت و در گذر زمان تبدیل به شهری شد که مهاجر پذیری بالایی داشت و به واسطه‌ی کنش متقابل اجتماعی مهاجران نخستین با هم و با مهاجران دومین، قالب‌های فرهنگی - اجتماعی گوناگونی را متحمل شد. اجتماع مهر پیوند اولیه با فرهنگ اجتماع‌نگر خاص خود به واسطه‌ی شرایط اجتماعی - سیاسی - اقتصادی سطح کلان به جامعه‌ای تاحدی سود پیوند تبدیل شد

سوت دوغراماجه ۶۶۸
 حلوا ۶۶۸
 یارمادمنه ۶۶۹
 قورودآش یا آش کشک ۶۷۰
 قورودشورباسه (کله جوش) ۶۷۱
 کوکو سیب زمینی ۶۷۱
 کوکو سبزی ۶۷۲
 خامکه آش ۶۷۳
 اماج آش ۶۷۳
 آق آش ۶۷۴
 حیوا خورشت یا خورش به ۶۷۴
 خورش سیب ۶۷۶
 خورش کنگر ۶۷۹
 دلمه برگ مو ۶۷۹

زبان و ادبیات (شعر، اصطلاح و ضرب‌المثل) ۶۸۲

زبان در رودهن ۶۸۹
 شعر در رودهن ۶۸۹
 ضرب‌المثل‌ها ۷۱۰
 اصطلاحات ۸۶۰

شجره‌نامه‌ها ۸۶۹

و روحیه و شرایطی را مهیا کرد که لازمه‌ی آن گذر از فرهنگ سنتی و ورود به فرهنگ عصر نوین‌گری بود و شاید گذر زمان و شاید هم قید و بندهایی که از سوی اصحاب قدرت اعمال می‌شده - اند شرایط مغلوبیت فرهنگ غالب در اجتماع مهر پیوند را فراهم نمود و مردمان رودهن را بر آن داشت که از بسیاری از راه‌های زندگی کردن خود چشم پوشی کنند. با این حال، لازم بود مطالعه‌ای دقیق و جامع صورت گیرد تا تغییرها و تحول‌های این گذر کشف و بازنمود یابند و این امر امکان پذیر نبود جز از طریق بررسی روایت‌ها و اسناد و مدارک و همین موجب شد تا کتاب "رودهن در گذر زمان: بازنمودی روایتی - دانش نامه‌ای" شکل بگیرد و تدوین شود.

برای تدوین و نگارش این کتاب، ابتدا یک بررسی مقدماتی شکل گرفت و مشخص شد که به رغم ادعاهای گوناگون، هیچ مطالعه‌ی دقیقی در خصوص رودهن به چشم نمی‌خورد و بیشتر گزارش‌های مرتبط ریشه در روایت‌های تخیلی و خودساخته دارند و حتا در پاره‌ای از موارد از واقعیت‌های متعلق به مکان‌های دیگر به رودهن تعمیم داده شده است. برای نمونه، در بررسی وضعیت آب و هوای رودهن، مشخص گردید که این منطقه فاقد ایستگاه آب و هوایی است، اما در گزارش‌های گوناگون به شرایط آب و هوایی آن اشاره شده است. بنابراین، ابتدا لازم بود یک مطالعه‌ی جامعی اعم از میدانی و اسنادی انجام گیرد تا بر آن اساس کتاب تدوین گردد. برای این منظور، یک گروهی پژوهشی شکل گرفت تا هم به مطالعه‌ی اسنادی بپردازد و به کلیه‌ی مرکزها و نهادهای داده‌ای مرتبط رجوع کنند و اسناد و مدارک را جمع‌آوری کنند و هم به مطالعه‌ی میدانی بپردازند و علاوه بر انجام مطالعه‌ی خود، اسناد و مدارک موجود نزد مردم و حتا روایت‌های آنها را نیز مدنظر قرار دهند. در شکل‌گیری این گروهی پژوهشی، تخصص و پذیرش پذیری دو اصل محوری بوده است. بنابراین، برای مطالعه‌ی اسنادی به متخصصان بومی و غیربومی توسل جسته شد و از آنجا که مطالعه‌ی میدانی مستلزم مشاهده‌ی مشارکتی نیز بود، انجام آن به متخصصان بومی سپرده شد، هرچند که متخصصان غیر بومی نیز در این زمینه مشارکت داشتند. وقتی انبوه داده‌های گوناگون جمع‌آوری و بررسی شدند، مشخص شد که لازم است در حوزه‌های گوناگون روی به تحلیل‌های دقیق استدلالی آورد تا واقعیت رخ بنماید و اشراق صورت گیرد. بنابراین، برای انجام این مطالعه به روش‌های گوناگون هم در حوزه جمع‌آوری داده‌ها نیاز بود و هم در حوزه‌ی تحلیل و تفسیر آنها.

از نظر روش شناختی^۱، این مطالعه قالبی چند روش شناختی دارد. در چند روش شناختی، چند روش گوناگون با همدیگر ترکیب می‌شوند تا مسأله‌ی مورد پژوهش را به خوبی پوشش دهند. این مطالعه

حاصل ترکیب دو روش تکننگاری^۱ که در آن "پژوهشگر به صورت ژرف به مطالعه‌ی یک واحد خاص که می‌تواند یک اجتماع، یک گروه، یک نهاد، یک سازمان اجتماعی، یا یک پدیده باشد می‌پردازد و پدیده‌ی مورد نظر را از تمامی جنبه‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهد" (میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۹۶) و مردم‌نگاری^۲ که "تلاش می‌کند فرهنگ، اجتماع، پدیده‌های اجتماعی و اخیرا جامعه‌ای یا شهری و نیز عملکردها و باورهای حاکم بر آنها را بررسی، توصیف، و تحلیل نماید و نتایج حاصل از مطالعه‌ی خود را به صورت نگاره‌ای یا نوشتاری مطرح نماید" (میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۲۴۹) است. برای جمع‌آوری داده‌ها، در این مطالعه به تناوب از روش‌های مشاهده‌ی مشارکتی و غیرمشارکتی، مصاحبه‌های بی ساخت و نیمه ساخت‌دار و نیز سنجه‌های غیر واکنشی استفاده شده است. یکی از جنبه‌های پژوهشی بسیار مهمی که در این مطالعه مد نظر قرار گرفته است به ویژه در حوزه‌های نام شناسی، تاریخی، دینی، و آب و هوایی تحلیل بوده است. در این مطالعه، علاوه بر تحلیل توصیف ضخیم^۳ که "تلاش می‌کند از طریق پرداختن به پهنه‌ها و لایه‌های کوچک و قابل دسترس پدیده و شکافتن لایه‌های معنایی و توصیف دقیق و موجز پدیده که می‌تواند بارها و بارها تکرار شود به تفسیر پدیده بپردازد و در واقع تبیین تفسیری تفسیرهایی است که به صورت پیوسته توسط کنشگران گوناگون انجام شده است" (میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰۴) و تحلیل روایتی^۴ که در آن واقعیت از طریق تبدیل آن به روایت یا داستان بازنمایی می‌شود و تلاش می‌گردد از طریق ایجاد یک نظم متوالی و زنجیره‌ای از رخدادها یا تجربه‌هایی که مشارکت کنندگان مطرح کرده اند فرایند زندگی به صورت روایت یا داستان بازسازی شود" (میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۶۸)، از گزاره پردازی و درون‌یابی^۵ نیز استفاده شده است. در بخش گزاره پردازی تلاش گردیده است با توسل به گزاره‌ها و اصل‌های بدیهی نتیجه‌گیری به ویژه در حوزه‌های نام شناسی، تاریخی و دینی انجام گیرد و در بخش درون‌یابی تلاش شده است با توسل به داده‌های ایستگاه‌های آب و هوایی شهرها و منطقه‌های پیرامون رودهن و در نظر گرفتن ارتفاع و مسافت، وضعیت آب و هوایی رودهن برآورد شود و از طریق روند پژوهی، وضعیت‌های نامشخص هم در حوزه‌های آب و هوایی و هم جمعیتی مشخص گردند.

وقتی مطالعه به پایان رسید و گزارش آن آماده گردید، باید متن گزارش‌ها بازطراحی می‌شدند، سازمان کتاب تعیین می‌شد و از همه‌ی آنها مهم‌تر، سبک نگارش متناسب با مخاطبان تعیین، طراحی و به کار

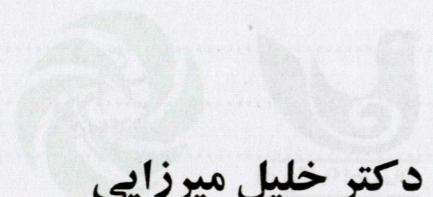
رودهن در گذر زمان

بازممودی روایتی - دانشنامه‌ای

جلد دوم

دکتر خلیل میرزایی

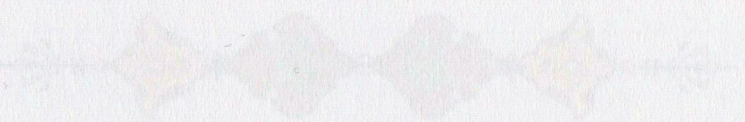
هیأت علمی دانشگاه



۱۰۵۵.....	خانندان عزیز فغانی
۱۰۵۷.....	خانندان علم قلی
۱۰۶۶.....	خانندان علی بابا
۱۰۶۸.....	خانندان علی کرم
۱۰۷۱.....	خانندان فرج
۱۱۰۴.....	خانندان فرهاد
۱۱۰۸.....	خانندان فغان علی
۱۱۱۷.....	خانندان قاضی
۱۱۳۰.....	خانندان قیطاس
۱۱۴۰.....	خانندان کاکا
۱۱۶۱.....	خانندان کریم
۱۱۶۹.....	خانندان کریم
۱۱۷۸.....	خانندان کوهزاد
۱۱۸۳.....	خانندان گراوند
۱۱۸۵.....	خانندان گنجعلی
۱۱۹۱.....	خانندان محمد
۱۱۹۷.....	خانندان محمد
۱۲۱۹.....	خانندان محمد - پشاییک
۱۲۳۱.....	خانندان محمد آکو
۱۲۳۳.....	خانندان محمد بیک
۱۳۰۰.....	خانندان محمد جعفر
۱۳۰۶.....	خانندان محمد هاشم
۱۳۱۲.....	خانندان ملک
۱۳۲۰.....	خانندان مهدی
۱۳۲۲.....	خانندان میرزا آقا
۱۳۲۶.....	خانندان میناب
۱۳۳۳.....	خانندان ندر محمد
۱۳۵۱.....	خانندان نظر
۱۳۵۶.....	خانندان نور محمد
۱۳۶۰.....	خانندان هادی
۱۳۶۸.....	خانندان هاشم

۱۳۷۶.....	بومی شمردگان یا مهاجران نخستین
۱۴۰۱.....	منابع
۱۴۰۳.....	تصاویری در حین انجام کار کتاب رودهن در گذر زمان

زبان و ادبیات (شعر، اصطلاح و ضرب المثل)



زبان در رودهن

در بررسی های انجام شده مشخص شده است که بومی شمردگان رودهن (نخستین مهاجران) به زبان ترکی مختص آذربایجان غربی صحبت می کرده اند، اما طی سالهای دهه ی ۱۳۴۰ به بعد که رودهن با پدیده مهاجرپذیری زیادی مواجه بوده است و نیز در اثر تعامل فرهنگی - زبانی با پارسی زبانان تهران با این زبان تا حد زیادی متحول شده است و قالبی ترکی - فارسی به خود گرفته است. قالبی که در آن ساختار زبان ترکی حفظ شده، اما بسیاری از واژگان و اصطلاح های ترکی منسوخ و جای خود را به واژگان و اصطلاح های پارسی داده اند، لازم به ذکر است به رغم این که تعداد مهاجران مازنی، کرد، و لر در رودهن زیاد بوده و تعامل فرهنگی - زبانه زیادی نیز میان مردمان ساکن رودهن (مهاجران نخستین و مهاجران بعدی) وجود داشته است و حتا تعدادی از رودهنی به تاسی همسایگان کرد خود و حکومت چیان قاجاری خود "کرد بچه" می نامیده اند، هیچ اثری از تاثیر آنها بر ترکی رودهنی قابل مشاهده و ردیابی نیست و همانگونه که در بخش تاریخچه ی رودهن ذکر شد، می توان رودهنی ها را ترک بچه و یا به واسطه ی خوی جنگندگی و کوشش گردبچه نامید. در گذشته های دور برخی از رودهنی ها به ویژه زنان رودهنی در زمینه ی استفاده از زبان فارسی مشکل داشته اند و فقط به زبان ترکی صحبت می کرده اند، اما بررسی ها حاکی از این است که بسیاری از خانواده ها ترجیح می دهند فرزندشان به فارسی صحبت کنند و در حال حاضر نسل جدید رودهنی در استفاده از زبان ترکی مشکل دارند! به طور کلی زبان رسمی و دیوانی حاکم در رودهن زبان فارسی و زبان حاکم نزد بومی شمردگان رودهنی ترکی منقش به فارسی است، و مهاجرانی از قوم های دیگر نیز در رودهن دیده می شوند که به زبان های بومی خود تکلم می کنند.

شعر در رودهن

هر چند در رودهن شعرهایی به نسبت خوب و شاعران به نسبت مناسبی وجود داشته است، اما فراوانی شعرهای به زبان ترکی که زبان بومی رودهنی ها بوده است، تا حدی کم است. در این قسمت تلاش شده است شعرهایی که در رودهن به صورت سینه به سینه نقل شده است و شاعر آنها مشخص نیست و شعرهایی که در خصوص رودهن یا منطقه ها و نماهای آن سروده

شده است، آورده شود: در ضمن برخی شعرهایی از شاعران معاصر روده‌نی نیز در اینجا آورده شده است.

اوخشاما (لالایی‌ها)

بالام قربان اینک لر
 بالام قوربان شتر چه لر
 بالام قوربان گجمی لر
 لای لای لای لای گل زیره

مامان از غصه می‌میره

لای لای لای گل نرگس
 لای لای لای لای گلم بانی
 لای لای لای لای گل فندق
 بالام نه اوخت ایمک لر
 بالام نه واخت دیرچه لر؟
 بالام نه واخت سنچی لر؟
 بابات رفته زن بگیره
 داغت را نینم هرگز
 عزیز این دلک باشی
 بابات رفته زیر صندوق

اوسون وارسا ای غافل
 آلدانانما غیل زنه‌ار مالا
 شول نسنه یه که سن قویوب
 گنده ریسن اول گئرو قالا
 سن زحمتینی گئوره سن،
 دوره سن دوسین مالینی،
 آنلارقالیرلار خرج الدوپ
 آنسمیلار زهی بلا،
 سنی اونودور دوستلارین
 اوغلون، قیزین، غورتلرین،
 اول مالینی اوله شلر،
 حساب ائیدوب قیلدان قیلا
 قیلما بالار سنه وفا

بوتلار بای اولا، سن گدا
 سنین ایچون وئرمیه ثر
 پیر باراتمک یوقولا
 پیر دملیغا آغلاشلار،
 آندان واروب بغلاشلار،
 سنی چوقورا گئومو شوب
 تئزدونه ثر گوله - گوله
 اولیکم گنده اوزاق یولا،
 گرک آزیق آلییله
 آمازوسا، یولدا قالا
 ارمیه هرگز منزله
 وئردی سنه مالی جلب،
 تاخیره قیلاسان سبب
 خیر ائيله ده قیل حق طلب،
 وئرمیه دن ال مالین یسئله
 بوگول سئوینیرسن منیم
 آلتونوم آقچام چوق دئیو.
 آنماز موسان اول سولوکیم
 محتاج اولاسان پیر سنین،
 خوش اولیماحالین سنین،
 خوش اولیما حالین سنین،
 تسنه ارمیه الین سنین
 گرسولمادونا آل - اله
 اول مال دئدین مارااولا
 حقا که گورون دارااولا